

- صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیرعامل مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: علی متقیان
- سردبیر: هادی خسروشاهی

- تلفن: ۸۸۷۶۱۲۲۰ شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- پیامک: ۳۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی: نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵۰۵ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
- توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه های همشهری
- سازمان آگهی های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
- انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۴۸۸۹۲-۸۸۵

هیچ لذتی مثل کتاب خواندن نیست، آدم به جز کتاب خیلی زود از هر چیزی خسته میشه، من وقتی خانه خودم را داشته باشم اگر کتابخانه ای نداشته باشد بدبخت خواهیم شد.

غرور و تعصب
چین آستن



حضرت فاطمه (س):

خوشرویی هنگام روبه رو شدن با مؤمن، بهشت را بر فرد خوشرو واجب می کند.



سخن روز

بحار الانوار، ص ۶۰۱

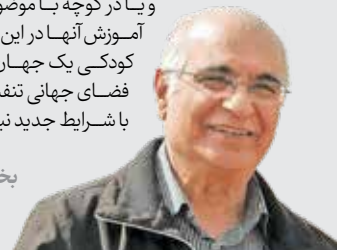
سینمای کودک و نوجوان نیازمند نگاهی تازه است

درباره وضعیت نامطلوب سینمای کودک و نوجوان باید به این نکته اشاره کرد که متأسفانه مدیران فرهنگی ما، تفکرات خودشان را در آثاری که برای کودک و نوجوان تهیه می شد، جامی می دادند و این به مذاق بچه ها خوش نمی آمد. ما نیاز به نگاه تازه ای در صنعت فیلمسازی حوزه کودک و نوجوان داریم. در گذشته، بچه ها و دانش آموزان یا در مدرسه یا در خانه و یا در کوچه با موضوعات مختلف آشنا می شدند و کل محیط آموزش آنها در این سه مکان خلاصه می شد. اما امروز هر کودکی یک جهان را مقابل خود دارد و ما هم اکنون در یک فضای جهانی تنفس می کنیم. این بچه ها خوراک متناسب با شرایط جدید نیاز دارند.



نقل قول

بخشی از گفته های هوشنگ مرادی کرمانی نویسنده پیشکسوت در مهر



«اتللو» در خیابان های تهران

قاب

نویبهار اصغری

روزنامه نگار



مورد نظر، گذر کرده و دور شده اند. حالا چه نمی خواهند اشتباهشان را بپذیرند، چون بلد نیستند ترمز کنند. چون اصلاً ترمز کردن و دوزدن را دون شان خود می دانند. این، نشانه های بیماری طمع است و در همگان یکسان، نمود می یابد.

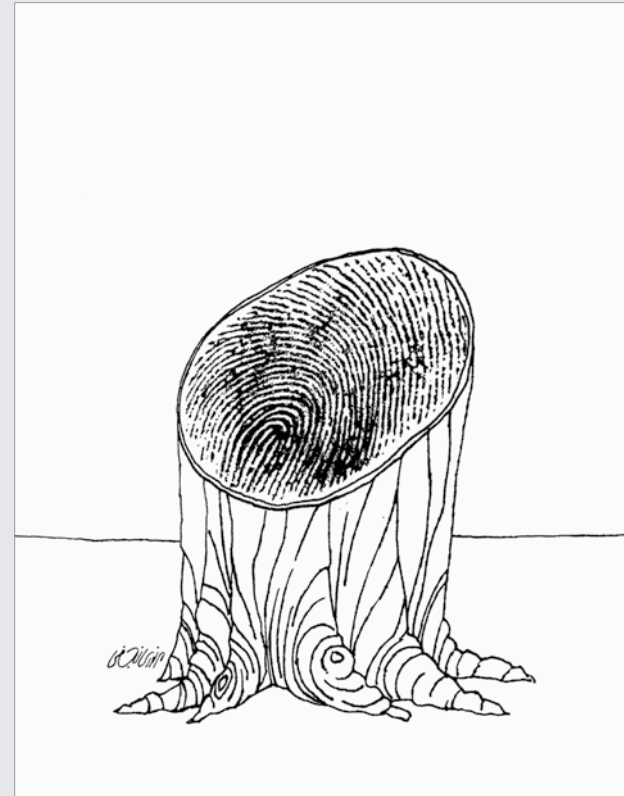
شخصیت ها در فصل جدید «زخم کاری» استاندارد هستند. یعنی دارای بُعد و لایه هستند. نه خوب کامل هستند و نه بد تمام. قهرمانش، قاتل است و قاتلش، عاشق. عاشقش، خائن است و خائنش، حامی. در واقع همه شان واقعی هستند. واقعی مثل همه ما، با همه اشتباهات و گناهان و پشیمانی هایمان. این ها سبب شده است که سریال، طرفداران زیادی پیدا کند و می شود گفت یکی از ماندگارترین ها هم در این عرصه باشد. مهم ترین عامل خوب بودن «زخم کاری»، همان تپعی است که به سرپرستی مهدویان دارد می کند. کاملاً مشخص است که همدلی در این گروه وجود دارد، چرا که نتیجه کار، حرفه ای و استاندارد است. موضوع دیگری که با دیدن «زخم کاری» می توان در ژرفای آن غور کرد، موضوع زمان است. هر لحظه از این مجموعه، آپسند حادثه ای است. البته حادثه ای قابل باور و نه ساختگی و باسماهی. از همین رو، زمان ارزش زیادی نزد شخصیت هایش دارد و این ارزش را نیز مخاطب درک می کند. ارسطو، فیلسوف یونان باستان، در تعریف زمان می گوید: «زمان عبارت است از شمارش حرکات بر حسب قبل و بعد.» به همین خاطر است که شخصیت ها در «زخم کاری» هم تحرک دارند، هم محرک هستند و هم تحریک پذیرند. فصل چهارم «زخم کاری» شاید نمادی از طبیعت باشد: زمستان و پایان کار. وفور وجود رنگ های سرد در این فصل، شاید به همین خاطر باشد. باید ببینیم که زمان چه می گوید و حرکت آدم ها را به چه سرنوشتی پیوند می زند.



«زخم کاری» روایتی ملموس از دست و پا زدن های بیپرده جماعتی است که روزگاری به دنبال خوشبختی هستند

نگاره

هویت



طراح: محسن نوری نجفی

فضای مجازی

تنت به ناز طبییان نیازمند مباد

کاظم موسوی بجنوردی، به خبر بستری شدن استاد محمدعلی موحّد در بیمارستان و خبر خوش بهبود وضعیت این نویسنده، مترجم، حقوقدان، مصحح پژوهشگر واکتش نشان داده و نوشته است: «چراه واثق دارم همین روزها سلامت خود را بازخواهید یافت، از بستر برخواید خاست و دوباره کار را از سر خواهید گرفت که فرهنگ ایران زمین سخت در انتظار قلم بلند و دانش بی مانندتان است تا آن بهره مند شود. وجود ذی جودتان آرزنده گزند و نیازمند ناز طبییان مباد.»

حجم و ابعاد اسباب بازی هاست که فرق دارد

حسین معزنی نیا، منتقد شناخته شده سینما در صفحه اینستاگرام خود یادداشتی کوتاه درباره فیلم «آتورا» منتشر کرده و از ۵ ستاره به این فیلم چهارنیم ستاره داده است. او در بخشی از یادداشت خود درباره فیلم پریخت این روزهای شان بیکر نوشته است: «آتورا داستان درامیخی ژوئی آمریکایی است با شتاب و جنون نوجوانانه. پسر بچه توریست روس که لم داده در عمارت نیویورک اش، در محاصره هورمون ها، پول گتیف پدر و مادر قاچاقچی اش را صرف دود و الکل و دختری می کند، حتی نیاموخته رفتاری را که با دسته پلی استیشن می کند یا دخترها نکند، کمی آرام تر پیش برود. پدر و مادر در سطح بین المللی «بازی» می کنند، پسر در لیک کوچک تر، آتورا از دنیای متفاوتی می آید ولی مثل بقیه جیست و جوگر ژوئی آمریکایی است؛ انتظاری می کشد معجزه از راه برسد، در جنون پسرک شریک می شود و تصویر می کند شاید مرد زندگی اش را پیدا کرده. دو دنیای زیرزمینی به هم گره می خورد: از دنیای نیمه تاریک اتاق های خصوصی استریت کلاب تونلی بازمی شود به دنیای تاریک گنگستری سرشناسی که گاهی ناچارند سر جت شخصی شان را سمیت و گاس بچرخانند تا عواقب عیاشی پسر بچه نخس شان را راست و ریس کنند. میل شهوانی پسرک به پلی استیشن و دخترها تداوم میل پدر و مادر به بازی با اسلحه و نفت و پول است؛ حجم و ابعاد اسباب بازی هاست که فرق دارد.»

سادگی که تا مغز استخوان نفوذ می کند

حسین عبیدی زاده منتقد سینما هم در تازه ترین پست اینستاگرامی اش به معرفی فیلم «چیزهای کوچکی مثل اینها» با بازی کلین مورفی پرداخته است. در بخشی از یادداشت او درباره این فیلم آمده است: «چیزهای کوچکی مثل اینها» ساخته تیم میلانتس مانند نولوی کلر کیگن که منبع اقتباسش بوده، کاری است با ظاهری آرام و لطیف در مورد یکی از سیاه ترین فصل های تاریخ ایرلند. سادگی پیراسته ای سراسر متن یکبار فرارفته بود که در فیلم هم راه پیدا کرده، از آن جنس سادگی ها که آدم را غافلگیری می کند، سادگی جملات ساده و کوتاهی که تا مغز استخوان نفوذ می کنند. مثل سادگی خود بیل، که انگار با بانوئل واقعی خود اوست که بالاترین ارغان کریسمس را به سارا، دختر بارداری که هم نام مادرش است، هدیه می دهد: «آزادی.»

پیشنهاد

مواجهه با مرگ در «خیره به خورشید»

اروین یالوم، روانپزشک و فیلسوف وجودی برجسته، در کتاب پرفروش خود «خیره به خورشید»، ما را به اعماق درون خود می برد و با یکی از بنیادی ترین و همه گیرترین ترس های انسان یعنی ترس از مرگ روبه رو می کند. یالوم با زبانی روان و شیوا، و با بهره گیری از تجربیات بالینی خود و همچنین داستان های شخصی، به بررسی ریشه های این ترس و تأثیرات آن بر زندگی روزمره می پردازد.

مریم کریمی

روزنامه نگار

یالوم در کتاب «خیره به خورشید»، به روشنی بیان می کند که ترس از مرگ یک احساس طبیعی و همگانی است. هیچ کس از این ترس مصون نیست، حتی افرادی که به ظاهر قوی و بی باک به نظر می رسند. این ترس ریشه در ماهیت وجودی انسان دارد و به سؤالات بنیادینی مانند «من کیستم؟»، «بعد از مرگ چه اتفاقی می افتد؟» و «زندگی چه معنایی دارد؟» مرتبط است.

«خیره به خورشید»، کتابی است که یالوم در هفتاد و پنج سالگی برای روبرویی با اضطراب مرگ خود نوشت، اما هدف اصلی او از نگارش این اثر، صرفاً کاهش اضطراب شخصی اش نبود. یالوم آرزو داشت به عنوان یک معلم عمل کند و آموخته هایش را به دیگران انتقال دهد. اومی خواست با به جا گذاشتن میراثی ماندگار، آرامش

درونی بیابد و اضطراب وجودی خود را کاهش دهد. این رویکرد، همانند فردی است که پیش از

مرگ، مدرسه ای می سازد یا پارکی را احداث می کند تا نسل های آینده از آن بهره مند شوند.

یالوم معتقد است، در هر لحظه از زندگی نمی توان مدام به مرگ فکر کرد، این به این می ماند که

بخواهید خیره به خورشید بنگرید. ما هرگز نمی توانیم اضطراب از

مرگ را از بین ببریم و به قول افلاطون: «ما نمی توانیم به اعماق

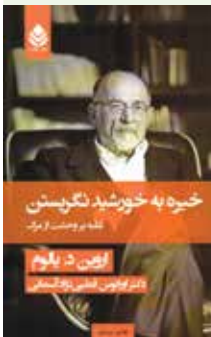
وجودمان دروغ بگوییم.» اما می توانیم آن را مدیریت کنیم و

اثراتش را تقلیل دهیم. اگر به دنبال راهی برای غلبه بر ترس از

مرگ و رسیدن به آرامش درونی هستید، خواندن کتاب «خیره به خورشید» را به شما توصیه می کنم. «خیره به خورشید» تنها

یک کتاب نیست، بلکه یک دعوت به تفکر و تأمل درباره یکی از

اساسی ترین پرسش های زندگی است.



عکس نوشت



شهرستان خفر دره ۱۰ کیلومتری شیراز و بخش جنوبی استان فارس قرار دارد. این شهرداری باغ های بسیار مرکبات و خرماسمت و گل نرگس از محصولات آن است که از کیفیت و مرغوبیت بسیار بالایی برخوردار بوده و به سایر کشورها صادر می شود. برداشت گل نرگس از اواخر آذرماه آغاز و تا اواخر دی ماه در شهرستان خفر استان فارس ادامه دارد.

عکس: ظاهره رخ پیشی استا